

نورالدین کیانوری

# انقلاب در نبرد با ضد انقلاب

یرسش و یاسخ شهر پور عامه ۱۳۶



www.iran-archive.com



---

انتشارات حزب توده ایران ، ۱۶ آذر ، شماره ۶۸۰.

کیانوری ، نورالدین  
انقلاب در نبرد با ضدانقلاب  
چاپ اول ، مهر ۱۳۶۰  
حق چاپ و نشر برای شرکت سهامی خاص انتشارات توده محفوظ است

---

انتشارات سازمان حزب توده ایران در آلمان فدرال

## فهرست

- ۴ ..... دربارهٔ ترورهای اخیر
- ۷ ..... روش‌های متنوع امپریالیسم آمریکا برای پیشبرد توطئه هشتم خود
- ۹ ..... دربارهٔ ایدئولوژی‌ها
- ۱۲ ..... باز هم دربارهٔ قانون "بازسازی"
- ۱۳ ..... برای آشنایی با تاریخ چهل سالهٔ فعالیت حزب
- ۱۵ ..... دربارهٔ رویدادهای کنونی مصر

## درباره ترورهای اخیر

س : حزب توده ایران ترورهای اخیر را چگونه ارزیابی می‌کند؟

ج : در دوران اخیر چند اقدام تروریستی فجیع در ایران صورت گرفته که پیاپی مدهای بسیار داشته است . مهم ترین آن ها عبارت بودند از : انفجار بمب در مقر حزب جمهوری اسلامی که به قتل آقای دکتر بهشتی و بیش از هفتاد تن از مسئولان حاکمیت جمهوری اسلامی انجامید ؛ انفجار بمب در نخست وزیری ، که بر اثر آن آقای رجایی ، رئیس جمهور و آقای دکتر باهنر ، نخست وزیر بلافاصله جان سپردند ؛ انفجار بمب در مقر دادستانی انقلاب اسلامی ، که به مرگ آقای قدوسی ، دادستان کل انقلاب اسلامی منجر شد و قتل آیت الله مدنی در نماز جمعه تبریز .

البته ما تنها مهم ترین این اقدامات تروریستی را در این جانام بردیم ، وگرنه شماره کسانی که در هفته های اخیر قربانی تروریسم کور شده اند ، خیلی از این ها بیشتر است .

اما نظر ما درباره تروریسم چیست ؟ ما در این باره همیشه اظهار نظر روشن و صریح داشته ایم . مارکسیست ها ترور را به عنوان وسیله رسیدن به حاکمیت سیاسی رد و برای پیشبرد تحول های بنیادی اجتماعی تنها به شکل توده های زحمتکش تکیه می کنند . این معمولاً نیروهای ارتجاعی هستند که برای به دست گرفتن قدرت به ترور متوسل می شوند .

علاوه بر این ، انحصار طلبان تروریسم را بهانه ای برای از بین بردن آزادی های سیاسی و دمکراتیک قرار می دهند .

در جمهوری اسلامی ایران، تروریسم به‌ویژه هنگامی گسترش یافت که توطئه هفتم آمریکا با شکست روبرو شد. هدف از این توطئه عبارت بود از مسخ انقلاب و کشتاندن آن به راه سازش با امپریالیسم آمریکا، بنی‌صدر، دیگر لیبرال‌ها، نیروهای ارتجاعی، ساواکی‌ها، سلطنت‌طلبان و مائوئیست‌ها همه در این راه گام برداشتند. گروهی از افراطیون چپ هم به این دام افتادند.

پس از ناکام ماندن توطئه هفتم، چنان‌که در تحلیل‌های اخیر کمیته مرکزی حزب توده ایران آمده است، امپریالیسم آمریکا توطئه جدیدی را آغاز کرد که هدف از آن براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران از راه قهرآمیز است. ترور هم یکی از اجزای این توطئه است.

موج ترور کنونی هدف‌های گوناگونی را دنبال می‌کند؛ یکی آن‌که با نابودی شخصیت‌های سرشناس به تدریج راه برای افراد شناخته نشده‌ای باز شود که در میان آن‌ها آمریکا عناصر خود را جا زده است (این پدیده تازه‌ای نیست و نمونه آن را در چهره سادات‌ها، امین‌ها و پینوشه‌ها در کشورهای دیگر دیده‌ایم). امام خمینی و آقای فرسنگانی در سخنان اخیر خود به این موضوع اشاره کردند که دشمن موفق شد در دو سال اخیر بسیاری از عوامل خود را در نهادهای انقلابی وارد کند و لیبرال‌ها و بنی‌صدر در این زمینه نقش مهمی بازی کردند.

هدف دوم امپریالیسم از تروریسم کنونی جلوگیری از تثبیت نظام جمهوری اسلامی است. برنامه‌های دولت آقای باهنر که دولت آقای کنی هم آن‌را از آن خود خوانده است، نوید اقدامات بنیادی را می‌دهد که می‌تواند در این زمینه موثر باشد. امپریالیسم و ارتجاع با دامن‌زدن به تروریسم می‌خواهند این برنامه‌ها را به تعویق بیندازند.

سومین هدف عبارتست از آماده‌ساختن شرایط برای واردآوردن ضربه نهایی به رژیم کنونی.

امپریالیست‌ها و دشمنان انقلاب ایران برای پیشبرد نقشه‌های تروریستی گروه‌قابل‌ملاحظه‌ای از جوانان ما را به‌دام خود انداخته‌اند. اینان که همان افراطی‌های "چپ" باشند، با فعالیت‌های تروریستی خود آب به آسباب امپریالیسم می‌ریزند. آن‌ها فکر می‌کنند که بدین ترتیب می‌توانند قدرت را به دست بگیرند و به هدف‌های "انقلابی"، "ضدامپریالیستی" و "مردمی" خود دست‌یابند. آن‌ها نمی‌توانند درک کنند که در شرایط ایران، سرنگونی حاکمیت فعلی جمهوری اسلامی ایران یعنی استقرار رژیم موردپسند امپریالیست‌ها و ارتجاع، افراطیون "چپ" با ارزیابی نادرست خود به‌دام خیانت‌رهرانشان افتاده‌اند که به‌نظر ما، نمی‌توانند عواقب مشی خود را درک نکنند. این‌ها کسانی بودند که با وابستگی به امپریالیسم، از قبیل بنی‌صدرها و قطب‌زاده‌ها، همکاری می‌کردند.

همان‌طور که در آخرین اسناد کمیته مرکزی حزب ما آمده است، اکثر

این جوانان علاقمند به پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران هستند و این طور نیست که بخواهند با امپریالیسم بسازند و ایران را بفرروشند. آن‌ها مثل خیلی از چپ‌روها در بیشتر نقاط جهان افراد با حسن نیتی هستند که دچار یک اشتباه تاریخی سهمگین شده‌اند. نظیر این جریان‌ها افراطی زیان‌آور در همه جنبش‌های انقلابی بوده است و در مراحل معینی می‌تواند سرنوشت یک انقلاب را با شکست روبرو کند.

البته در ایران شرایط اکنون طوری نیست که چپ‌روهای حادثه‌جو بتوانند انقلاب را به شکست بکشانند. نیروهای انقلابی هنوز قدرت کافی دارند تا از دست‌آورد‌های انقلاب در مقابل تهاجم امپریالیسم و ازتجاج دفاع بکنند. اما فراموش نکنیم که این گرایش‌های ماجراجویانه می‌تواند زیان‌های جدی برای انقلاب به بار آورد.

از سوی دیگر، حزب توده ایران پس از بمب‌گذاری در مقر حزب جمهوری اسلامی هشدار داد که مبادا موج خشونت‌ی که از طرف نیروهای ضد انقلابی و چپ‌روان همراه آغاز شده است به موج خشونت متقابلی از سوی دادگاه‌های انقلاب و دیگر نهادهای انقلابی بیانجامد.

بدبختانه، همان‌طور که در آخرین اعلامیه کمیته مرکزی حزب ما آمده است، چنین عکس‌العمل شدید و نامتناسبی اینک دامن پیدا کرده و شکل اعدام بسیاری از جوانان را به خود گرفته است. به نظر ما این عکس‌العمل به سود تحکیم صفوف انقلاب نیست و نتایجی به بار خواهد آورد که حتی به زیان انقلاب خواهد بود. باید در این باره تجدیدنظر جدی به عمل آید و برای کسانی که در ترورهای کور شرکت مستقیم ندارند، راهی باز شود تا بتوانند خود را از این جریان جدا سازند. این‌طور نمی‌شود که مهلتی کوتاه برای آنان بگذاریم و بگوییم که "حتما این کار را باید بکنی، وگرنه اعدام خواهی شد." به نظر ما تاثیر روحی چنین شیوه‌ای بسیار کم است و باید در فکر شیوه‌های دیگر بود. باید فرصت کافی به این افراد جوان گول خورده داده شود تا بتوانند با اعتماد به این‌که خطر جانی متوجه آن‌ها نیست، به تفکر وادار شوند و خود را از گردابی که در آن افتاده‌اند، نجات دهند. تجربه دیگر کشورهایی که در جریان انقلاب با تروریسم روبرو بوده‌اند، نشان می‌دهد که باید به افراد فریب‌خورده کمک کرد تا خود را از مسئولان واقعی تروریسم، تروریست‌های حرفه‌ای اصلاح‌ناپذیر و عناصر حادثه‌جو جدا سازند. ما این نظر را به صورت پیشنهاد‌های مشخص‌تر در آخرین اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران بیان داشته‌ایم و معتقدیم که این شاید تنها راه مقابله موثر با تروریسم است و توجه مقامات مسئول را به آن‌ها جلب می‌کنیم.

چنان‌که دیده می‌شود گرایش خاصی در میان بخشی از مسئولان و توده‌های مبارز اسلامی پیدا شده است که خواهان انتقام‌جویی شدید است. این گرایش ممکن است عواقب دردناکی برای اتحاد نیروهای سال‌ها ضد امپریالیستی و خلاق جامعه ما داشته باشد و باید هرچه زودتر به آن لجام زد. ما همه

امکانات خود، از قبیل توضیح، ترویج، گفت و گو و بحث را در جهت جلوگیری از تشدید این گرایش به کار خواهیم برد.

مسئله مهم این است که مقامات مسئول حاکمیت جمهوری اسلامی ایران نه تنها در زمینه حفاظت از شخصیت‌ها، بلکه به خصوص درباره جلوگیری از نفوذ عناصر ناپاب، منحرف و عامل دشمن در درون صفوف خود، خیلی بی‌تجربگی و خامی نشان داده‌اند. ما حتی دو سال و نیم پیش در این باره اخطارهای جدی دادیم که متأسفانه مورد توجه واقع نشد.

حتی برخی از نیروهای سالم و واقعاً معتقد به مبارزه ضد امپریالیستی، انقلابی و مردمی، به جای آن که به دشمنان مسلمان نمایر دازند، همه نیروی خود را متوجه این می‌کردند که مبادا یک توده‌ای معلم یک مدرسه و یا مهندس یک کارخانه و غیره بشود. در حالی که دشمن توانست خیلی زود و آسان ریش بگذارد و تسبیح به دست بگیرد و خود را در صفوف انقلابیون جا بزند. این گونه بود که کلاهی‌ها و مختارزاده‌ها و صدها تن دیگر توانستند در بخش‌های حساس و خنک بکنند و چنین لطمات سنگینی بزنند.

افشای تنها چند تن مانند امیرانتظام و غیره هم به هیچ وجه کافی نیست و دشمن هنوز عوامل بسیاری در درون حاکمیت دارد. امام در یکی از گفته‌های اخیرشان به این مسئله اشاره کردند که دشمن سال‌هاست دارد برای روز مبادا چنین عنصری را می‌پروراند. مگر این نبود که امثال بختیارها و قاسمی‌ها از سال‌ها پیش بدین منظور تربیت یافتند؟ بعضی از آن‌ها را حتی به زندان هم فرستاده بودند، تا اعدادی هم بیابند و در موقع لازم بزرگ‌ترین ضربه را به انقلاب وارد کنند.

## روش‌های متنوع امپریالیسم آمریکا برای پیشبرد توطئه هشتم خود

س: نوشته جوزف کرافت را در روزنامه "واشنگتن پست" چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا این موضع‌گیری باتصمیم سیزده شرکت ژاپنی درباره تحریم نفت ایران ارتباط دارد؟

ج: اول من برای آن شنوندگانی که شاید درباره این نوشته چیزی نشنیده‌اند، توضیح بدهم که جوزف کرافت کیست و چه گفته است. جوزف کرافت یکی از مفسرین به نام وابسته به "کاخ سفید" در آمریکا است، که معمولاً نظرات امپریالیسم آمریکا را به صراحت بیان می‌کند. وی در یکی از مقاله‌های اخیر خود نوشته است که آمریکا باید از دوستان و دیگر امکانات وسیع خود در ترکیه، عمان و پاکستان برای تقویت "نیروهای ضد رژیم آیت‌الله خمینی" استفاده بکند و شرایط دخالت مسلحانه را در ایران فراهم آورد.

این گفته جوزف کرافت چیز تازه‌ای نیست و تا به حال به شکل‌های گوناگون بیان شده است. اصل نقشه همان توطئه هشتم است، که برپایه آن باید ایران از داخل و خارج دچار چنان دشواری‌هایی بشود که آمریکا بتواند یا خود و یا به دست دیگری به تهاجم نظامی به ایران دست بزند. حالا آقای جوزف کرافت گوشه‌ای از این نقشه را بیان کرده است.

آن چه مربوط به پاکستان و ترکیه می‌شود، ما تاکنون در این باره بارها گوشزد کرده‌ایم. در پاکستان و ترکیه دو رژیم کودتایی ارتشی حکومت می‌کنند. ارتش ترکیه در آغاز دوران پس از جنگ به پیمان تجاوزکار "ناتو" پیوست و ارتش پاکستان در چارچوب قرارداد نظامی دوجانبه میان پاکستان و آمریکا دارای نقش بسیار مهمی است. اکنون پاکستان سه میلیارد دلار اسلحه‌مجانگی از آمریکا دریافت می‌کند.

نقشه‌ای که آقای جوزف کرافت بدان اشاره می‌کند، توطئه‌ایست که ما در تحلیل اخیر کمیته مرکزی حزب توده ایران به بررسی اجزای مختلف آن پرداختیم. طبق این نقشه قرار است کانون‌های شورشی در سرحدات آذربایجان غربی و بلوچستان به وجود آید. همان‌طور که چندین بار اطلاع داده‌ایم گروه‌های ضدانقلابی در ترکیه مستقر هستند و از کمک دولت ترکیه برخوردار می‌شوند. در بلوچستان هم نیروهای ارتجاعی در حال فعالیت هستند.

توطئه آمریکا علیه ایران خود جزئی از تهاجم وسیع امپریالیسم ایالات متحده علیه کلیه جنبش‌های ضدامپریالیستی و مردمی جهان است. این تهاجم که نمونه اخیر آن را در حمله وسیع آفریقای جنوبی به آنگولا، زامبیا و موزامبیک دیدیم، همچنین لیبی، افغانستان، ویتنام، کامبوجیا، هند، السالوادور و خاورمیانه و غیره را در برمی‌گیرد.

از این جهت حاکمیت کنونی ایران باید به بین‌المللی بودن مبارزه ضدامپریالیستی توجه بیشتری نشان دهد و بری از کوتاه‌نظری و بدون کوشش برای تحمیل همه‌نظرات خود با همه نیروهای ضدامپریالیستی جهان همکاری فعال کند.

مطالب آقای کرافت تنها از گوشه‌ای از توطئه هشتم آمریکا پرده‌بر می‌دارد. این توطئه اجزا دیگری، از جمله اشاعه هرج و مرج از راه تروریسم، جلوگیری از تشبیت اوضاع از طریق تخریب اقدامات اصلاحی، نفاق‌افکنی در میان نیروهای داخلی و غیره را شامل می‌شود.

تصمیم سیزده شرکت ژاپنی مبنی بر تحریم خرید نفت ایران هم یکی از عناصر این توطئه است. آمریکا به‌ویژه پس از برکناری بنی‌صدر می‌کوشد تا پیش از پیش ایران را زیر فشار اقتصادی قرار دهد و به خیال خود آن را به‌زانو در بیاورد. یکی از شیوه‌های پیشبرد این تلاش عبارتست از جلوگیری از فروش نفت ایران در بازارهای جهانی. البته امروز امپریالیسم قدرت آن را ندارد که مانند دوران دکتر مصدق به کلی از فروش نفت ایران جلوگیری



به عمل آورد. امروزه جبهه جهانی ضد امپریالیستی، مرکب از کشورهای سوسیالیستی و کشورهای غیر متعهد ضد امپریالیستی زیر بار این تحکم امپریالیستی نمی‌روند. بدین ترتیب ایران امکان آن را دارد که در مقابل فشار اقتصادی امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، مقاومت به خرج بدهد. ژاپنی‌ها تاکنون روزانه نزدیک به ۲۳۰ هزار بشکه نفت از ایران می‌خریدند، که در حدود بیست و پنج درصد نفت صادراتی ایران است. ژاپن اولین بار نیست که در تحریم اقتصادی ایران شرکت می‌کند. دولت این کشور دو سال و نیم است که از تکمیل مجتمع پتروشیمی فارس که یکی از موسسات بزرگ اقتصادی ایران خواهد بود، طفره می‌رود و با حیل‌های فراوان می‌کوشد تا دولت ایران را از واگذاری تکمیل این پروژه به دیگر کشورهای که آمادگی خود را در این زمینه اعلام داشته‌اند، جلوگیری کند. کسانی هم مانند نزیه و معین‌فر و دیگر لیبرال‌های جاده صافکن امپریالیسم هم در این بازی شرکت داشتند. ما فکر می‌کنیم که نقشه اعمال فشار اقتصادی امپریالیسم بر ایران تنها به توطئه ۱۳ شرکت نفتی ژاپنی محدود نخواهد ماند و ابعاد وسیع‌تری به خود خواهد گرفت. از این رو دولت ایران لازمست تا هر چه سریع‌تر در جهت برقراری مناسبات اقتصادی درازمدت با کشورهای که از انقلاب ایران پشتیبانی می‌کنند و زیر بار هیچ‌گونه فشار اقتصادی امپریالیسم نمی‌روند - کشورهای سوسیالیستی، کشورهای از بند رسته مستقل و ضد امپریالیستی (کشورهای "جبهه‌پایداری عرب"، ویتنام، کوبا، نیکاراگوئه و غیره) - اقدام کند. اینگونه قراردادهای درازمدت از یک سو تحریم اقتصادی امپریالیستی را عقیم خواهد گذاشت و از سوی دیگر بهترین تضمین برای توسعه و شکوفایی اقتصادی ایران است.

یکی دیگر از راه‌های عمده مقابله با توطئه هشتم، درهم شکستن مقاومت کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان در برابر اصلاحات بنیادی از نوع بند "ج"، ملی کردن تجارت خارجی و اجرای ماده ۴۹ قانون اساسی و غیره است. نیروهای ارتجاعی نامبرده از اهرم‌های قدرت بسیاری بهره‌مندند و حتی در میان برخی از روحانیون ارتجاعی نیز تکیه‌گاه دارند. عدم قاطعیت در اجرای این اقدامات بنیادی می‌تواند نارضایتی عمیق قشرهای زحمتکش را برانگیزد و آن‌ها را نسبت به انقلاب ناامید سازد.

آن‌گونه که از مطبوعات وابسته به حاکمیت انقلابی ایران احساس می‌شود، این مسئله اکنون مورد توجه مقامات هست. امیدواری ما آنست که بالاخره مرحله حرف را پشت سر نهیم و وارد میدان عمل شویم.

درباره آیدئولوژی‌ها...

س: اخیراً در برخی مطبوعات، سخنرانی‌ها و به‌ویژه در قانون‌بازسازی

باز هم مسئله به این شکل مطرح می شود که گویا تضاد اساسی جامعه ما تضاد میان ایدئولوژی اسلامی و ایدئولوژی مارکسیستی است. نظر شما در این باره چیست؟

ج : درست است. مثلاً روزنامه‌های به نام "احزاب" این طور وانمود می کند که گویا بزرگترین و تنها خطر برای انقلاب ایران مارکسیسم است. به نظر ما این روزنامه اساساً برای به وجود آوردن چنین سمت گیری انحرافی منتشر می شود، چون مطبوعاتی، مانند "تهران مصور"، "امید ایران"، "آیندگان" و غیره، که مدتی این "وظیفه" را انجام می دادند، دیگر انتشار نمی یابند، حالا این "وظیفه" انحراف از مسائل اساسی انقلاب و علم کردن لولوی کمونیسم به دوش "احزاب" و چند مجله دیگر گذاشته شده است. بدبختانه در این جا و آن جا برخی از عناصر انقلابی هم هنوز به این دام می افتند. در این جا بار دیگر متأسفیم که ادامه بحث آزادی. که با شهید آیت الله بهشتی در تلویزیون داشتیم، پخش نشد. در آن جا نشان داده شد که تضاد اساسی جامعه ما نه تنها میان اسلام و مارکسیسم نیست، بلکه حتی از درون نیروهای اسلامی هم می گذرد. واقعیت آنست که علاوه بر مسلمانان راستین و انقلابی افرادی هم هستند که یا مسلمان هستند، ولی سدها هرگونه اصلاحات و ترقی اجتماعی می شوند و یا آن کمزیر شعار "اسلام به فعالیت ضدانقلابی مشغولند. در مورد اخیر کافیست که به گروه‌هایی چون "فرقان"، "مجاهدین" و "خلق مسلمانی" ها و غیره اشاره کنیم. یکی از مسائلی که ما در مناظره نامبرده بیان کردیم و هنوز هم اهمیت خود را از دست نداده است، اینست که متأسفانه بسیاری از کسانی که در باره مارکسیسم اظهار نظر می کنند، مارکسیسم واقعی را نمی شناسند. مورد استناد آن‌ها اغلب مارکسیسمی قلابی و انحرافی است. درست مثل این که کسی بیاید و برای انتقاد از اسلام، اسلام بهایی‌ها، ضیاء الحق‌ها و ملک فیصل‌ها و شاه حسین‌ها را هدف بگیرد.

مارکسیسمی که برخی از آن به انتقاد می پردازند "غلب" مارکسیسم "تروتسکیستی و پامورد ادعای "چریک‌های اقلیت" و "گومله" و غیره است. به نظر ما با ایدئولوژی که چنین نیروی عظیمی را در جهان امروزی تشکیل می دهد، نباید چنین ارزان برخورد کرد.

برای نمونه گفته می شود که مارکسیست‌ها ادعا دارند که مارکسیسم و اسلام انقلابی در بسیاری از مسائل اجتماعی اشتراک نظر دارند ولی چطور شد که گروهی "مارکسیست" با دورویی وارد سازمان "مجاهدین خلق" شدند و آن‌را از درون منفجر ساختند. اما در همین جا می شود مچ کسانی را که چنین ادعایی می کنند، گرفت و پرسید که اول ثابت کنند که این افراد اصلاً مارکسیست بودند! مارکسیست‌های واقعی در همان زمان آن‌ها را خائن به مارکسیسم و انقلاب می دانستند.

این "پیکار"ی‌ها که "سازمان مجاهدین خلق" را تسخیر کردند، مائوئیست‌هایی بودند که ایدئولوژی‌شان هیچ‌گونه قرابتی با مارکسیسم نداشت و همان‌قدر مارکسیست بودند که یک بهایی مسلمان باشد. ادعا می‌شود که در کشورهای سوسیالیستی برای پیروان مذاهب آزادی عمل به‌معنای واقعی وجود ندارد. ما در مناظره تلویزیونی نامبرده با برهان و استدلال نشان دادیم که این ادعا تا چه اندازه از واقعیت دور است. آیت‌الله‌بهشتی در یکی از این بحث‌ها می‌گفت که در جریان بازدید هیئتی از شرق‌شناسان اتحاد شوروی از ایران، از خاورشناسی از یکی از جمهوری‌های آسیای شوروی، که مسلمان و کارمند بلندپایه یکی از انستیتوهای خاورشناسی شوروی بود، پرسید که آیا می‌تواند رئیس انستیتوی محل کارش بشود؟ و او جواب داد: "نه - چون مسلمان هستم و نمی‌توانم بیش از مقام کارمند بلندپایه انستیتو ترقی کنم."

ما در صداقت آقای‌بهشتی شکی نداریم و فرض کنیم که آن شرق‌شناس شوروی حقیقت را گفته باشد (که باید در آن شک کرد). حالا این را مقایسه کنیم با قانون بازسازی که چندی پیش از مجلس شورای اسلامی گذشت. طبق این قانون کسی که عضو حزبی دارای ایدئولوژی غیراسلامی و غیرمذهبی باشد، حتی حق رفتن را هم ندارد، چه برسد به آن‌که کارمند بلندپایه یک موسسه دولتی پژوهشی شود. مطابق ماده ۳۷ قانون بازسازی چنین شخصی نمی‌تواند در مشاغل دولتی استخدام گردد و حتی ممکن است به‌عنوان مجرم تسلیم دادگاه شود. مفاد این قانون نقض فاحش اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است.

حالا این را مقایسه کنید با آزادی دگراندیشان و پیروان مذاهب در کشورهای سوسیالیستی. تنها آشنایی محدود با جمهوری دموکراتیک آلمان نشان می‌دهد که "حزب دمکرات مسیحی" عضو "جبهه ملی" این کشور است. این حزب در پارلمان آلمان دموکراتیک فراکسیون دارد و یکی از معاونان ریاست جمهوری عضو آن است. رئیس پارلمان آلمان دموکراتیک ۲۵ سال متوالی یک دمکرات مسیحی بود. این حقایق است که امپریالیست‌ها پنهان و تحریف می‌کنند. تعجب ما اینست که برخی از مسئولان حاکمیت جمهوری اسلامی که خیلی زود به موضع‌گیری کشورها و منابع تبلیغاتی امپریالیستی در برابر انقلاب ایران پی بردند، چگونه نمی‌خواهند درک کنند که امپریالیسم با دیگر دشمنان خود، از جمله کشورهای سوسیالیستی هم، همین‌گونه معامله می‌کند. چهره‌ای که امپریالیسم از مارکسیسم و سوسیالیسم می‌سازد همان‌قدر وارونه‌است که ادعای کذابی آن‌ها درباره این‌که به‌دستور امام خمینی پستان زنان را می‌برند. "یونایتد پرس" و دیگر خبرگزاری‌های امپریالیستی همان‌قدر درباره افغانستان، اتیوپی و لهستان و لیبی و... دروغ می‌گویند که درباره ایران.

چنین برخوردی سبب شد که در دو سال و نیم اخیر مناسبات ما با

طبیعی ترین پشتیبانان انقلاب ما ، حتی کشورهای اسلامی ضد امپریالیستی چون سوریه ، الجزایر ، لیبی و یمن دمکراتیک ، به نحو مطلوب توسعه نیابد . درست است که این سد اکنون ترک برداشته است ، ولی هنوز موانع فراوانی در برابر آن موجود است . یکی از آن ها گرایش انحصارگرا نه سیاست خارجی ایران بوده است ، که می خواست همه نظرات خود را بر کشورهای دیگر تحمیل کند . در سیاست خارجی این طور نیست که طرف باید همه نظرات ما را قبول کند ، بلکه باید در مناسبات خود به موضع گیری های مشترک تکیه کنیم و اگر جنبه های مشترک برجسته های اختلاف تفوق داشت ، مناسبات خود را بر پایه آن قرار دهیم .

### باز هم درباره قانون «بازسازی»

س : نظر شما درباره قانون بازسازی چیست ؟

ج : حزب توده ایران خواهد کوشید تا موضع گیری دقیق و روشنی در این باره انتشار دهد . آن چه اکنون می شود گفت ، اینست که این قانون زیر فشار نیروهای معینی در مجلس شورای اسلامی و خارج از آن تصویب شد و اصول مهمی از قانون اساسی را زیر پا گذاشته است . جای تاسف خواهد بود اگر شورای نگهبان آن را معایر با قانون اساسی اعلام نکند .

قانون بازسازی بسیار نگرانی برانگیز است . چون تقریباً عین قانون ۱۳۱۵ رژیم شاهنشاهی است ، که می تواند امکانات فوق العاده وسیعی را برای سوء استفاده باقی بگذارد . امید ما اینست که شورای نگهبان به این نکته توجه اساسی بکند و نگذارد که یکی از مهم ترین اصول سه گانه قانون اساسی ، یعنی آزادی های اجتماعی ، محدود گردد . اگر این اصل اکنون نقض شود ، بیم آن می رود که دو اصل دیگر ، یعنی استقلال و عدالت اجتماعی ، نیز در معرض خطر قرار گیرد .

با کمال تاسف باید گفت که آن ماده از قانون بازسازی که فعالیت دگراندیشان را در دستگاه دولتی غیر ممکن ساخته است ، چندان مبتکرانه نیست . این محدودیت ها قبلاً در کشورهای فاشیستی آلمان هیتلری و ایتالیا ی موسولینی به وجود آمده بود و حالا در کشورهای امپریالیستی که مظاهر فاشیسم در آن ها نسبتاً قوی است ، کم و بیش وجود دارد . در این کشورها حتی راننده اتوموبیل دولتی ، لکوموتور و یا سوزن بان راه آهن ، چنانچه تمایلاتی دمکراتیک داشتند ، از دستگاه دولتی اخراج می شدند . در جمهوری فدرال آلمان چنین محدودیت هایی سال ها وجود داشت و اکنون هم با تغییرات مختصری وجود دارد . به ویژه در آن

ایالات آلمان غربی ، که نیروهای وابسته به سرمایه داری انحصاری اشتراوس و حزب سوسیال مسیحی او حکومت می کنند ، مفاد به اصطلاح قانون "بروفز فریوت" ("منع اشتغال") مو به مو اجرا می شود .

از سوی دیگر ، در هیچ کشور جبهه ضدامپریالیستی ، یعنی چه در کشورهای سوسیالیستی و چه در کشورهای از بندرسته ضدامپریالیستی ، چنین قانونی وجود ندارد که نیروی قابل توجهی را ، به شهادت دو نفر که گویا وابسته به فلان جریان هستند ، از کار دولتی برکنار کند . این نه تنها ناقض قانون اساسی است ، بلکه با گفته امام نیز که در جمهوری اسلامی کمونیست ها هم حق اظهار عقیده دارند ، در صورتی که به مبارزه مسلحانه علیه رژیم جمهوری اسلامی نپردازند ، مغایرت آشکار دارد .

قانون بازسازی با اعلامیه ده ماده ای دادستان کل و اظهارات صریح بسیاری از دیگر مسئولان بلند پایه جمهوری اسلامی ، از جمله آیت الله شهید بهشتی ، درباره لزوم رعایت اصل آزادی اندیشه برای دگراندیشان در تضاد است . امیدواریم که شورای نگهبان به این قانون شکنی توجه جدی بکند .

## برای آشنایی با تاریخ چهل ساله فعالیت حزب

س : ( از برخی از هواداران و اعضای حزب توده ایران ) : برخی از هواداران و اعضای سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) علاقه زیادی به مسائل تاریخی حزب توده ایران نشان می دهند ، ولی برخی از این مسائل برای آن ها روشن نیست و پاره ای از آن ها روشن شدن این مسائل را شرط نزدیکی و وحدت دو جریان پیرو سوسیالیسم در ایران می دانند نظر شما در این باره چیست ؟

ج : این بسیار سبب خوشوقتی است که دوستان فدایی (اکثریت) ما چنین به آشناسدن به تاریخ چهل ساله حزب توده ایران ابراز علاقه می کنند . این پدیده به ویژه از آن جهت مثبت است که آن همه مسائل مورد اختلافی که بین حزب ما و فداییان خلق در دو سال پیش وجود داشته است از بین رفته و اکنون به توضیح برخی مسائل تاریخ حزب منحصر شده است . ما این را در درجه اول مدیون تحولات بزرگی هستیم که در زمینه سیاسی - ایدئولوژیک در سازمان فداییان خلق (اکثریت) به وقوع پیوسته است .

با این که ابراز علاقه به شناخت مسائل ناروشن تاریخ حزب توده ایران اکثرا بر پایه حسن نیت مبتنی است ، این واقعیت را هم نمی توان نادیده گرفت که اقلیت کوچکی می خواهد با طرح این مسائل بهانه ای برای سنگ اندازی در راه نزدیکی میان حزب و سازمان ایجاد کند . ما امیدواریم که دوستان فدایی

(اکثریت) ما در بحث‌های داخلی خود به این ریشه نادرست، هر قدر هم کمیاب باشد، توجه کنند.

اما بپردازیم به جواب. به نظر ما این‌که دوستان عزیز فدایی از تاریخ حزب ما اطلاع کافی ندارند و یا نکات مبهمی برای آن‌ها موجود است، عمدتاً تقصیر خود آن‌هاست. چون تاریخ حزب ما در انتشارات چهل ساله حزب ما به روشنی منعکس است، هم جنبه‌های مثبت و هم نکات منفی فعالیت حزب و هم اشتباهات آن.

البته در این جا باید دو نکته را هم یادآور شد. یکی این‌که شاید دسترسی به این انتشارات همیشه آسان نبوده است و دوم آن‌که تا دو سال پیش دوستان فدایی حاضر و مجاز نبودند همه نشریات سیاسی حزب را بخوانند. ما هم در دو سال اخیر کوشش کرده‌ایم تا برخی از نشریات حزب را تجدید چاپ بکنیم و در اختیار علاقمندان و مبارزانی که تازه به جنبش روی می‌آورند، قرار دهیم. الان هم برای استقبال از نظر دوستان فدایی (اکثریت) تصمیم گرفته‌ایم گلچینی از مبرم‌ترین مسائل تاریخ حزب را در چندین جزوه مفصل چاپ کنیم.

البته علاقمندان به تاریخ حزب توده ایران هم باید خود قدری زحمت بکشند و جویای این‌گونه مطالب باشند و مهم‌تر از همه خویشانشان را از زنگار القاء ایدئولوژیکی که نیروهای ارتجاعی و در مواقعی خود آن‌ها هم برخورد روا داشتند، نجات دهند. باید به هنگام خواندن و آرونه‌سازی‌های تاریخ حزب توده ایران به منابع آن‌ها توجه کرد. چه، بیشترین تحریفات ساخته و پرداخته "ساواک" و "جبهه‌ملی" و عوامل سرسپرده‌ای چون قاسمی‌ها، سنجابی‌ها و بختیارها و غیره است. جالب است که تا این اواخر، "آیندگان" و "تهران‌مصور" و "میزان" و "انقلاب اسلامی" هم این خزعبلات را اشاعه می‌دادند و الان هم رادیوهای اویسی و بختیار در خارج و روزنامه "احزاب" در داخل به تکرار آن‌ها می‌پردازند. باید خود را از این القاقات برای همیشه خلاص کرد.

مسئله‌ای دیگر که می‌خواهم با دوستان فدایی (اکثریت) علاقمند به تاریخ حزب در میان بگذارم، اینست که: دوستان عزیز، حالاً فرض کنیم که ما در باره این یا آن مسئله تاریخ حزب نتوانستیم به اتفاق نظر برسیم و یکدیگر را قانع کنیم. آیا پیروان سوسیالیسم علمی باید تا ابد هفتاد تکه باقی بمانند، چون در باره یک رویداد سی سال پیش دارای ارزیابی مشترک نیستند؟

در یک حزب طراز نوین طبقه کارگر نه تنها در باره مسائل تاریخی، بلکه پیرامون مسائل سیاسی حاد روز هم می‌توان اختلاف نظر داشت. منتها یک اصل مهم سازمانی می‌گوید که اقلیت باید از اکثریت تبعیت کند. بعد جریان زندگی روشن خواهد ساخت که کدامیک محق بوده‌اند. چه بسا که

اقلیت حق داشته باشد، مانند اقلیت مخالف روش مائوتسه‌دون در حزب کمونیست چین. اما آنچه مهم است وحدت عمل سازمان واحد طبقه کارگر است. اینست چیزی که امروز برای ما اهمیت حیاتی دارد: اتحاد عمل همه مبارزان راستین پیرو سوسیالیسم در باره مسائل عمده انقلاب. این اتحاد عمل شرط لازم پایه‌ریزی اتحاد عمل پیروان سوسیالیسم علمی با سایر نیروهای انقلابی است. در باره مسائل تاریخی می‌شود سال‌ها با یکدیگر نشست و صحبت کرد، ولی درباره مسائل حاد روز این فرصت نیست. ممکنست فرصت‌های طلابی از دست برود که تاریخ ما را هیچ‌گاه به‌خاطر آن‌ها نبخشاید. ما برای توجه خاص دوستان فدایی (اکثریت) به این مسئله ارج فراوان قائلیم و امیدواریم که گمراهان "اقلیتی" هم در پرتو رویدادهای اخیر چشمانشان باز شود و خود را از جریان خطرناک و ناسالمی که در آن افتاده‌اند بپروان بکشند.

## درباره رویدادهای کنونی مصر

س: نظر شما در باره رویدادهای اخیر مصر چیست؟

ج: البته ما باخشنودی بسیار این خبر را دریافت داشتیم که جنبش مقاومت در مقابل خیانت سادات به خیابان‌ها کشیده شده است. ما اطلاع داشتیم که ناخشنودی مردم در برابر سیاست خائنانه انور سادات در زمینه انهدام دست‌آورد های انقلابی و مردمی دوران عبدالناصر، تسلیم در برابر امپریالیسم و سازش با صهیونیسم گسترش می‌یابد. البته این مقاومت همیشه وجود داشت و نمونه آن را در سال‌های گذشته چندین بار، به‌ویژه در اعتصاب کارگران صنایع فولادسازی دیدیم که متأسفانه از سوی رژیم فاشیستی سادات سرکوب شد.

تظاهرات کنونی به هیچ وجه تصادفی و پراکنده نیست، بلکه از ناخشنودی وسیع در میان توده‌های محروم مصر حکایت می‌کند. در مصر آن‌چه خیانت سادات در پی داشت، جریانی قهقراپی بود که نمی‌توانست برای مدت زیادی چرخ تاریخ را در آن کشور به عقب راند.

حالا ممکن است این بار هم باز سادات موفق بشود به کمک امپریالیسم این جنبش را برای مدتی سرکوب و یا ساکت بکند و یا به عقب بیاندازد. ولی آن‌چه مسلم است دوران ما دوران این انفجارهای جنبش رهایی‌بخش ضد امپریالیستی است و یکی بعد از دیگری کشورهای مثل مصر، پاکستان و نظایر آن‌ها دیر یا زود منفجر خواهند شد.

ما فکر می‌کنیم که رویدادهای مصر طلایه‌ای است در تحولات بنیادی

اجتماعی در یک منطقه عظیم از جهان که امروز هنوز زیر یوغ امپریالیسم دست و پا می زند ، و صرف نظر از این که در این مرحله مشخص حکومت مصر موفق بشود که این را سرکوب بکند و یا این که در مقابل اوج گیری این جریان مجبور به تسلیم گردد ما به دامنه دار بودن تاریخی این جریان برای سال های نه چندان دور آینده اعتقاد داریم .

www.iran-archive.com



انتشارات حزب توده ایران

بها : ۱۵ ریال

0,50 DM